

تصویرسازی خشونت سیاسی در رمان‌های نجیب کیلانی

(بررسی موردی رمان لیالی ترکستان)

صلاح الدین عبدی^۱ (دانشیار دانشگاه بوعلی سینا همدان)

تاریخ الوصول: ۲۰۱۹/۰۳/۱۰

تاریخ القبول: ۲۰۱۹/۰۴/۱۷

صفحات: ۵۷ - ۸۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۲۸

چکیده

خشونت سیاسی یعنی اعمال اراده و قدرت برای تحقق اهدافی غیر مشروع است و از آنجا که ادبیات آیینی تمام نمای جوامع است که گاه در آن تاریخ ملت‌ها نمودار می‌شود و واقعیت‌های تاریخی جوامع به صورت ادبی تجلی می‌یابد تا پیوند سیاست و ادبیات را بخوبی نشان دهد، از جمله‌ی این آثار، رمان لیالی ترکستان نجیب کیلانی -نویسنده مسلمان مصری- است که او در این رمان به مشکلات ورنج‌های مسلمانان فراتر از مرزهای جهان عرب یعنی ترکستان یا سین کیانگ پرداخته است، و در آن با تصویرسازی خشونت سیاسی و مفاهیم دیگر چون ترور و اعدام و شکنجه قصد دارد این مفاهیم منفی را در معرض دید دیگر مسلمانان قرار دهد. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی قصد دارد با تبیین و تشریح خشونت سیاسی و دیگر مفاهیم مرتبط با آن، این مفاهیم سیاسی و جامعه‌شناسی را در این رمان پیاده کند و مهمترین نتایج دست یافته حکایت از آن دارد که این مفاهیم به صورت اشغال یک سرزمین و پایمال کردن احساسات مذهبی، دینی، تبدیل مساجد به مجالس لهو و تغییر توپولوژی و با جغرافیایی و اتنوگرافی یا نژادی کشور بکار رفته است. واژگان کلیدی: تصویرسازی، نجیب کیلانی، رمان لیالی ترکستان، خشونت سیاسی، تغییر توپوگرافی و اتنوگرافی.

دراسة صور العنف السياسي في روايات نجيب الكيلاني

(رواية ليالي تركستان نموذجاً)

صلاح الدين عبدی (الأستاذ المشارك، جامعة بوعلی سینا همدان)

الملخص

العنف السياسي يعني ممارسة الإرادة والقوة من أجل تحقيق أغراض غير مشروعة، وبما أن الأدب هو المرآة الكاملة للمجتمعات يظهر فيه تاريخ الأمم، يتم تجسيد الدول وواقعها التاريخية للمجتمعات بصورة أدبية. من بين هذه الأعمال، كانت رواية ليالي تركستان لنجيب كيلاني، الكاتب المسلم المصري، و هو يعالج في هذه الروايات مشاكل المسلمين ومعاناتهم خارج حدود العالم العربي أي تركستان أو شينجيانغ. ويوضح فيها العنف السياسي والمفاهيم الأخرى مثل الاغتيالات وعمليات الإعدام ويستهدف الكيلاني بهذه المفاهيم السلبية الى أن يعرضها أمام المسلمين الآخرين. تهدف هذه الدراسة بالمنهج الوصفي التحليلي، إلى تبين وتوضيح هذه المفاهيم السياسية والاجتماعية في هذه الرواية و تطبيقها. تشير أهم النتائج إلى أن هذه المفاهيم قد استُخدمت في احتلال الأرض وقمع المشاعر الدينية والدينية، وتحويل المساجد إلى مجالس المجون و الفسق وتغيير طوبوغرافيا وإثنوغرافيا للبلاد.

الكلمات الرئيسية: دراسة الصورة، نجيب الكيلاني، رواية ليالي تركستان، العنف السياسي، تغيير طوبوغرافي و اتنوگرافي

۱. مقدمه

مفهوم خشونت دارای تعابیر متعدد و مختلفی است از جمله شامل رفتار و گفتاری است که در آن تهدید بکار می‌رود، یا اینکه با بکارگیری خشونت طرف می‌خواهد به دیگران ضرر و آسیب برساند و همچنین شامل ضرر مادی، جسمی، روانی، فکری و عقیدتی به هستی انسان می‌شود، همچنانکه بکارگیری غیر قانونی و غیر مشروع قدرت و اراده یک طرف بر طرف مقابل را نیز دربرمی‌گیرد، این گونه قدرت و فشار باعث بوجود آمدن هرج و مرج می‌شود و نوعی روابط خصمانه را در جامعه شکل می‌دهد. یکی از موضوعات مورد توجه جامعه شناسان سیاسی، پژوهش درباره خشونت سیاسی و تبیین رابطه آن با یکی از مفاهیم پر کاربرد آن یعنی ترور و تروریسم می‌باشد؛ خشونت سیاسی معمولاً از جانب گروه‌ها و نهادها و دولتهایی سر می‌زند که خواستار ایجاد هدفی خاص در جامعه‌ای هستند و در این رمان، کشورهای چین و روسیه تزاری در صدد زدودن چهره اسلام و مبادی آن در پاره‌ای از کشورهای اسلامی مانند ترکستان می‌باشند و این امر نوعی تغییرات ساختاری و هویتی بشمار می‌رود، چه مردمی که سال‌ها با این اصول، مبادی و آموزه‌های اسلامی زندگی کرده‌اند این امر باعث اختلال شده و نظم جامعه را بهم می‌ریزد و چنین مردمی نمی‌توانند این اهداف استعمارگران اشغالگر را در جامعه خود پیاده کنند، بنابراین عوامل و بانیان ایجاد این اهداف غیر اسلامی برای پیاده کردن اهدافشان روی به خشونت می‌آورند.

مردم ترکستان برای کسب هویت مذهبی و عمل کردن بدان تنها راه آن را مبارزه و جهاد با چنین حکومت‌هایی می‌دانستند، چراکه حکومت‌های چین و روسیه تزاری از تشکیل هویت اسلامی و تقویت آن و انسجام قومی - ملی جلوگیری کرده و خواستار ایجاد ارزشهای ضد اسلامی و کمونیستی بوده و آن را بر جامعه اسلامی ترکستان تحمیل کردند و مسلمانان ترکستانی با تمسک به تاریخ جمعی، زبان و فرهنگ و گذشته مشترک در صدد نوعی پیوند و همبستگی بودند و می‌خواستند هویت مستقل اسلامی جدا از هویت کمونیستی داشته باشند، این در حالی بود که نظام کمونیستی چین حاکم بر این کشور این هویت اسلامی را مورد تهدید قرار داده و برای ایجاد هویت کمونیستی وارد اقدامات خشن سیاسی شده بود، از جمله این اقدامات خشن می‌توان به بازداشت فله‌ای و زندانی کردن مردم مسلمان ترکستان و تجاوز به زنان و ازدواج به زور گرفته تا اعدام اشاره کرد.

این پژوهش در راستای ارائه تصاویری است که نویسنده مسلمان مصری نجیب کیلانی^۱ در رمان لیالی ترکستان^۲ ارائه داده و به نوعی ادبیات اسلامی^۳ است و می‌خواهد فریادرس و کمک کننده مردمی مظلومی باشد که به دور از نقشه و دایره جهان اسلام می‌خواستند هویت اسلامی داشته

باشند و در سایه آموزه‌های پیشروی اسلامی به زندگی و معاش خود ادامه دهند، ولی بیگانگان آنها را مورد استثمار قرار داده‌اند یا استعمارگران برای بهره‌کشی از این مسلمانان بی‌گناه دست به اعمال خشونت‌آمیزی می‌زدند که در ادبیات سیاسی امروزه به آن خشونت سیاسی یا ترور می‌گویند. اهداف این پژوهش تبیین و تشریح مفاهیم خشونت سیاسی و مفاهیم مرتبط با آن یعنی تروریسم و اعدام و شکنجه و... در پرتو رمان لیالی ترکستان می‌باشد و ضرورت این تحقیق، آشنایی و معرفی مشکلات مسلمانانی است که از دایره جهان اسلام دور افتاده‌اند. این پژوهش به شیوه‌ی توصیفی، به واکاوی مفهوم خشونت و فریافت ابعاد آن و تطبیق این مفهوم با مستندات تاریخی گنجانده شده در رمان لیالی ترکستان نجیب کیلانی پرداخته شده و در راستای جواب به این سؤالات تحقیق است:

۱. خشونت سیاسی و مفاهیم مرتبط با آن در رمان لیالی ترکستان کیلانی چگونه به تصویر کشیده شده است؟
۲. کیلانی در بیان مفاهیم خود از چه شیوه‌های بیانی برای این موضوع بهره برده است؟
۳. فریافت و هدف کیلانی از به تصویر کشیدن خشونت در این رمان چه چیزی بوده است؟

پیشینه‌ی تحقیق

در مورد خشونت سیاسی می‌توان به پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه عبدالرحمن میره الجزائر تحت عنوان «تجلیات العنف فی الروایة الجزائریة المعاصرة» روایة تیمیمون لرشید بوجدره انمودجا» از فلاق محمد (۲۰۱۶) اشاره کرد که به خشونت داخلی صورت گرفته از سوی گروه‌های مختلف در دهه نود میلادی در الجزائر در خلال این رمان پرداخته است، و کتاب «صور العنف السیاسی فی الروایة الجزائریة المعاصرة» نوشته سعاد عبدالله العنزی (۲۰۰۸) که از خلال رمان‌های رمان نویسان مشهور مانند واسینی الاعرج والظاهر وطار واحلام المستغانمی و عبدالملک مرتاض به مفهوم خشونت سیاسی و اشکال آن پرداخته است و از مقاله‌های مشابه در حوزه تروریسم و خشونت، می‌توان به مقاله‌ی آقایان «جعفر کوشا و پیمان نامیان» با عنوان «جایگاه اعمال تروریستی در پرتو حقوق بین‌المللی کیفری»، (۱۳۸۷) اشاره کرد، که به بیان مفهوم تروریست و ابعاد آن پرداخته است، و در مورد کلید واژه نجیب کیلانی می‌توان به مقاله «نجیب الکیلانی اول روائی اسلامی» از دکتر «محمد حلمی القاعد» و پایان نامه کارشناسی ارشد خانم صدیقه زود رنج با عنوان «تحلیل و بررسی نقش و جایگاه نجیب کیلانی در داستان نویسی اسلامی» (۱۳۸۰)، در دانشگاه تربیت مدرس، و مقاله‌های «استعمار ستیزی

در رمان‌های اسلامی نجیب کیلانی؛ بررسی موردی داستان عمالقه الشمال» (۱۳۹۰) از صلاح الدین عبدی و شهلا زمانی اشاره کرد و به این نتیجه رسیده‌اند که بیگانگان علیه مسلمانان در زمانهای حساس متحد می‌شوند و مقاله «شخصیت پردازی در ادبیات داستانی نجیب کیلانی» (۱۳۹۰) از این دو نویسنده مذکور که به روش‌های شخصیت پردازی در سه رمان لیالی ترکستان و عذراء جاکرتا و عمالقه الشمال پرداخته‌اند.

در مورد این مقاله باید به این نکته اشاره کرد که این موضوع بیشتر جنبه سیاسی و جامعه شناسی دارد، و بررسی این مفهوم در ادبیات اسلامی معاصر عربی، پیشینه‌ای چندانی ندارد و جزو محدود مقالات نگارش یافته در این مورد محسوب می‌شود.

۲- مفاهیم پژوهش

خشونت از نظر لغوی یعنی درشتی کردن و تندخویی و مقابل نرمی است (عمید، ۱۳۸۹: ۴۸۶ و معین، ۱۳۸۶: ۶۳۸). در زبان عربی واژه عنف برای آن وضع شده است و در لسان العرب یعنی «الحزم بالامر و عدم الرفق» (ابن منظور، بی.تا، ج ۱۳: ماده ع ن ف) یعنی زمام کار را بدست گرفت و مهربانی و ملاحظت نداشت و از نظر اصطلاحی عبارتست از هر اقدام خطرناکی که در آزادی دیگران دخالت کند و خواهان محدود کردن آزادی تفکر و نظر و اراده است (المعجم الوسیط، ۱۹۸۵، ج ۲: ۶۵۵).

خشونت سیاسی عبارتست از کنش‌هایی اعتراضی است که شکل خصمانه و غیر نهادی به خود می‌گیرد و طرف‌های دیگر به صورت عامدانه، از اجبار فیزیکی به یکدیگر یا اموال یکدیگر استفاده می‌نمایند تا تغییر سیاسی را چه در سیاست و چه در ساختار حکومت به وجود آورد (فایراند و روزالیند فایراند، ۱۳۷۹: ۱۱).

تعریف اصطلاح خشونت در سه رویکرد مطرح است:

نخست: خشونت استفاده عینی از قدرت مادی برای ضرر و آسیب رساندن به خویش یا دیگران و تخریب دارایی‌ها برای تاثیرگذاری بر طرف مقابل است؛ بر همین اساس رفتار خشونت آمیز متضمن قهر و اجبار از سوی فاعل است و مقاومت و تسلیم از جانب مقابل است.

دوم: خشونت همان استفاده از قدرت مادی یا تهدید به استفاده از آن است این تعریف، مفهوم خشونت را گسترده ساخته و شامل تهدید بالقوه و بالفعل در گفتار و کردار می‌شود.

سوم: این رویکرد به خشونت به عنوان مجموعه‌ای از اختلاف‌ها و تناقض‌های پنهان در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی جامعه می‌نگرد و بر همین اساس بر آن، نام کلی خشونت

می‌نهد و عوامل آن را به شرح زیر بر می‌شمارد: نبود تکامل کشور داری در جامعه، تلاش برخی گروه‌ها برای جدایی از دولت، فقدان عدالت اجتماعی و محرومیت گروهی مشخص در جامعه از برخی حقوق سیاسی و محرومیت بسیاری از شهروندان از نیازهای اساسی چون آموزش، بهداشت، تغذیه... و وابستگی خارجی (توفیق ابراهیم، ۱۹۹۲: ۴۲).

خشونت سیاسی دارای سه مولفه جنگ داخلی، تروریسم و نابسامانی داخلی است (ساندرز، ۱۳۸۰: ۴۲) تروریسم یکی از مفاهیم مبهم خشونت است به عنوان عملی که ترس، احساس حقارت و تقاضای اعمال تلافی جویانه را در بر می‌گیرد، تعریف می‌شود (فایراند و روزالیند فایراند، ۱۳۷۹: ۵۵).

۲-۲. کیلانی و رمان تاریخی

رمان لیالی ترکستان نوعی رمان تاریخی محسوب می‌شود. رمان تاریخی، زمان و مکان و برخی از شخصیت‌ها و حوادثش را از تاریخ می‌گیرد، ولی معمولاً این نام هنگامی بر رمانی اطلاق می‌شود که محیط اجتماعی و حوادثش را بی‌طرفانه، دقیق و با جزئیات زیاد نوشته و بسط داده باشد (سلیمانی، ۱۳۷۴: ۱۸). شخصیت‌ها این رمان، به دودسته تقسیم می‌شوند، بعضی از این شخصیت‌ها، شخصیت‌های واقعی هستند که با مراجعه به منابع تاریخی صحت آن اثبات می‌شود، مانند شخصیت خواجه نیاز، عثمان باتور، شریف الدین و... حوادثی که اتفاق می‌افتد و این شخصیت‌ها در آن حضور دارند، بیشتر واقعی است و حوادث اصلی داستان محسوب می‌شود (عبدی، ۱۳۹۰: ۱۶۶) بیشتر این شخصیت‌ها برای رهایی میهن و هموطنانشان از یوغ استعمار با دشمنان مبارزه کرده و دست آخر به طرز فجیعی کشته شدند، که امروزه در ادبیات سیاسی به این نوع کشتار و قتل، اعمال تروریستی گفته می‌شود، البته کیلانی در توصیف برخی از حوادثی که برای این شخصیت‌ها رخ می‌دهد؛ از عنصر خیال نیز، استفاده کرده است، کیلانی خود می‌گوید: زمانی که به نوشتن رمان‌های اسلامی که مربوط به تاریخ معاصر کشورهای مثل نیجریه، ترکستان، اندونزی و اتیوپی فکر کردم، با تمامی مشکلاتی که در این راه احساس می‌کردم، اما تصمیم گرفتم، نسل‌های جدید را با مشکلات این کشورها آشنا کنم، چرا که بسیاری از مسلمانان جهان اسلام از آن بی‌اطلاع هستند (کیلانی، ۱۹۸۵: ۸۹) به همین خاطر، ترکستان را انتخاب کردم، جایی که در تاریخ، تفکر و تمدن اسلامی، جایگاه شناخته شده‌ای دارد، و گروه‌های کمونیستی در عصر معاصر به آن جا غلبه کردند، و جهان اسلام با وضعیت آشفته‌ای که داشت، نتوانست از آن حمایت کند، بر خود واجب دیدم که رمان «لیالی ترکستان» را بنویسم (همان: ۹۰).

۲-۳. شرایط اجتماعی، سیاسی و دینی ترکستان «سین کیانگ کنونی»:

ترکستان شرقی که در شمال غربی چین قرار دارد، با وسعتی برابر ۱۷۰۹۰۰۰ کیلومتر مربع بیش از پانزده میلیون نفر در آن سکونت دارند، مرکز این ایالت «اورومچی» است. (گلی زواره، ۱۳۸۷: ۵۴) در ناحیه خودمختار «سین کیانگ» و استان «شانگهای» که یک چهارم کل سرزمین چین را در برمی‌گیرد؛ اکثریت مطلق جمعیت را مسلمانان تشکیل می‌دهند. (جیان پینگ، ۱۳۸۲: ۵۶) بیشتر مسلمانان چین در استان «سین کیانگ» (در حدود ۱۰ تا ۱۵ میلیون نفر) زندگی می‌کنند (فدایی، ۱۳۶۹: ۱۶۸).

سیاست چین در جهت نقشه‌های خود، بر چند مرحله استوار بود، مرحله نخست، ایجاد فقر و مصادره دارائی مردم بود. چین در این یورش بی‌رحمانه، مراکز صنعتی را که در قلمرو مسلمانان بود؛ به زور تصرف و آن‌ها را جزء اموال عمومی اعلام نموده، مسلمان‌ها را پراکنده کرد. میلیون‌ها کتاب اسلامی سوزانده شد که قرآن مجید از جمله آن‌ها بود، ولی در تمام این احوال، پیروی از «مائوتسه تونگ» ۴ (۱۸۹۳-۱۹۷۵) و ایمان به تعالیم او، واجب بود (شهاب، ۱۳۵۸: ۶۸-۶۹/فدایی، ۱۳۶۹: ۱۸۳)، محتویات این تعالیم در نفی وجود خدا خلاصه می‌شد (شهاب: ۷۱-۷۲).

مرحله دوم، شامل تحکیم اصول کمونیسم در جامعه بود، در این مرحله، با تمام وسایل، با دین مبارزه می‌کردند، مثل: ممنوعیت هرگونه آموزش دینی، بستن مدارس و مساجد و مبدل ساختن آن‌ها به باشگاه، تئاتر و... به طوری که دیگر صدای اذان شنیده نمی‌شد. در چین، زبان ترکستانی ممنوع و در مقابل، زبان چینی زبان رسمی اعلام گردید (همان: ۶۹-۷۰). تروریست‌ها گذشته از تخریب اماکن مذهبی که نزد مردم مقدس هستند، شعائر مذهبی آن‌ها را لگدمال می‌کردند، حتی حقوق ابتدائی و اولیه انسان‌ها را که نیازهای اولیه‌ی آن‌هاست، نقض می‌کردند و با این اقدام ضد انسانی خود، مفهوم انسانیت را زیر پا می‌گذاشتند. در اعمال تروریستی، کشتن، ربودن، مجروح کردن و تخریب اماکن فی نفسه هدف نیست، چراکه تروریسم با خشونت، قساوت، ترس و وحشت ارتباط دارد (کوشا و نمامیان، ۱۳۸۷: ۲۳۳).

مرحله سوم، هضم خلق مسلمان ترکستان در کل جمعیت انبوه چین بود. نخستین کاری که دولت چین برای این منظور کرد، تبدیل نام ترکستان شرقی، به نام جدید یعنی «سین کیانگ» - به معنای استان جدید- بود، تا از این راه، بخش شرقی ترکستان را در کشور بزرگ چین، ذوب کند (شهاب: ۷۲) در سال ۱۹۴۲ م. ترکستان شرقی به سین کیانگ تغییر نام یافت (گلی زواره: ۹۷).

۳- پردازش تحلیلی - توصیفی موضوع

آغاز فاجعه در رمان «لیالی ترکستان» به سال ۱۹۳۰ بازمی‌گردد؛ یعنی زمانی که چین، بخش کومل در ترکستان را اشغال کرد و حاکم چینی، اعلامیه‌ای صادر کرد مبنی بر این که، لازم است هر ترکستانی مسلمان، بدون در نظر گرفتن اختلاف عقیده، دخترش را به عقد مرد چینی که خواهان ازدواج با اوست، درآورد... (السید الدغیم، ۱۹۹۶/برکه، ۲۰۰۷)

موضوع این رمان بیان دردها و مشکلات مردم ستم دیده ترکستان - «سین کیانگ» کنونی - از دست روس‌ها و چینی‌های کمونیست است، حوادث آن مربوط به سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰ است یعنی دوره ناآرامی‌های چین در زمان «مائو تسه تونگ» و مبارزه او با مخالفان است؛ وی در خلال سالهای ۱۹۳۷ تا ۱۹۴۵ از مخالفان در مقابل تجاوز ژاپنی‌ها به چین، استفاده کرد و در سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۹ شروع به سرکوب مخالفان داخلی کرد. «مصطفی مراد حضرت» به عنوان قهرمان رمان و راوی - راوی اول شخص - است، و در لابلای این رمان، ماجرای علاقه «مصطفی» به «نجمه اللیل» مطرح می‌شود، که با حوادث تاریخی گره می‌خورد و حوادث فرعی متعددی را به دنبال می‌آورد. ماجرا از این قرار است که بعد از اشغال ترکستان، توسط چینی‌های کمونیست، مردان برای دفاع از جان، مال و ناموسشان به بیرون از شهر می‌روند و «مصطفی» نیز به این گروه ملحق می‌شود. این رمان در جلوه‌های زیر به تصویر کشیده شده است:

۳-۱. اشغال یک سرزمین و پایمال کردن احساسات و عواطف مذهبی

در اینجا رهبر کمونیستی چین امر به ازدواج زنان ترکستانی با چینی‌ها بدون هیچگونه مناسبتی می‌کند؛ امر و دستوری که باعث سرگشتگی و دستپاچگی امیر مسلمان ترکستان که رهبر چینی مقیم آنجا قصد ازدواج با دختر وی را دارد، شده است: مسئله اشغال نظامی نمی‌تواند همیشگی باشد و بالاخره روزی از بین خواهد رفت، دشمن چند صباحی کر و فر دارد و بعد از پای در می‌آید. اما آنچه را که مردم فراموش نخواهند کرد و برای مردم طاققت فرسا است این است که دشمن احساسات مردم را جریحه دار نماید و احکام و مقرراتشان را تحقیر نموده و دین و آئین آنها را به مسخره بگیرد. فرمانروای چینی، امیر بیچاره «کومل» را به نزد خویش خواند و به وی گفت: امیر خوب توجه داشته باش، تصمیم گرفته‌ام که با دختری از دواج کنم و با هم خویشاوند شویم.

رنگ از رخساره امیر پرید، دست و پایش به لرزه افتاد و با صدای گرفته‌ای گفت: جناب فرمانروا خودتان می‌دانید که این کاری است ناشدنی.

فرمانروا از روی تمسخر قهقهه نمود و گفت: من ناشدنی نمی شناسم امیر.

امیر: این دستور خداست و باید بدان گردن نهاد.

-: خدایان را به مهر و محبت چه کار؟ عشق و محبت چیزی است که از دل بر می‌خیزد و باید

بگویم که به دخترت عشق می‌روزم.

امیر: جناب فرمانروا فاتحان هر سرزمینی نسبت به اعتقادات مردم آنجا احترام قائل شده‌اند و از

خود خویشتن‌داری نشان می‌دهند و شما نیز باید چنین باشید.

-: اینها همه‌اش خرافات است، من به این چیزها عقیده ندارم سخن را کوتاه کن^۱ (کیلانی، ۲۰۰۶: ۷).

گفتگوی امیر کومل با فرمانروای چینی‌ها در مورد قانون ازدواج زنان ترکستانی با مردان چینی و

به بازیچه گرفتن دین اسلام و امر مهم ازدواج... جناب فرمانروا کار از دست من خارج است؛ زیرا دین

و آئین ما به ما جازه نمی‌دهد و از سوی دیگر دخترم قصد ازدواج ندارد ... البته چین هم بخاطر پیوند

نژادی که با ما دارد حاضر نخواهد شد نسبت به آداب و رسوم همسایگانش بی توجه بوده و یا عقاید

آنها را نادیده بگیرد و احساسات آنها را جریحه‌دار نماید... شما حرف این جانب را تصدیق می‌فرمائید

که اگر وضع بدین منوال پیش برود، عواقب وخیمی را در پی خواهد داشت و به روابط تاریخی بین

دولت چین و ترکستان لطمه می‌زند... اگر به نتایج و آثار این قانون که زن ترکستانی برخلاف میلش

باید با چینی ازدواج کند، دقت کنیم مسلما پی به خطرات زیادی خواهیم برد... (همان ۱۱-۱۲).

سپس امیر کومل نامه‌ای به فرمانروای چینی نوشته و مهلتی را که به او داده برای تامل در مورد

قانون ازدواج دخترش با فرمانروای چینی صحبت کرده و در این بین، دختران ترکستانی دنبال مردی

ترکستانی مسلمانی هستند تا با آنها بجای یک مرد چینی ازدواج کنند و همین امر باعث هرج و مرج

می‌شود و نظمی که در جامعه حاکم بوده بهم می‌ریزد، چراکه دخالت در امور خصوصی مردم امری

ناپسند و غیر مشروع بشمار می‌رود: تا وقتی که فرصتی برای بازپس‌گیری سرزمین بدست نیامده باید

ادامه اشغال را انتظار داشت، اما دخالت دشمن در خصوصی‌ترین خصوصیات مردم آنها بدینگونه و

به بازی گرفتن شرف و ناموس و اعتقادات مردم توسط او، این دیگر مسئله‌ای است که نباید به آن تن

داد زیرا خطرات شدیدتری را دنبال دارد.

هنگام قرائت نامه امیر ترکستان از سوی فرمانروای چین، من کسی بودم که نامه را تسلیم وی

نمودم، فرمانروا نامه را خواند و مچاله کرد و با اهانت به دور انداخت و بدان تف کرد... و آنچه که هم

درد آور بود و هم خنده‌دار این بود که هر دختر جوانی در تلاش بود تا قبل از آنکه قربانی شهوات

۱. ترجمه‌های صورت گرفته با حذف و تلخیص و ویراستاری از ترجمه آقای حسین علی انصاری است.

اشغالگران چینی و یا مهاجرین آنان گردد با مرد مسلمان و هم کیش خود هرچه زودتر ازدواج نمایند(همان: ۱۳).

۳-۲. ایجاد فساد و فحشا و تبدیل مساجد به مجالس لهو و لعب

سربازان چینی جلوی مردان ترکستانی به زنان ترکستانی دست درازی می کردند: طغیان و سرکشی افزونتر می شد و همه جا را فرامی گرفت، صدای استغاثه مردم بلندتر و بلندتر، و تازیانه‌های دشمن هرچه بیشتر بدنهای برهنه را نوازش می داد، و قانون ظالمانه چین، زنان را در اختیار سربازان جهنمی چین قرار داده، و مردان از این بابت احساس سرشکستگی می نمودند، سربازان چینی در خیابانها عربده می کشیدند و بدمستی می کردند و بی شرمانه زنان مسلمان را لمس می نمودند مثل اینکه بخواهند مرکبی بخرند(همان: ۱۷).

از زبان شخصیت اول داستان یعنی مصطفی مراد حضرت نقل می شود که مساجد تبدیل به مکان سکونت سربازان و محل تئاتر وغیره شده است: وقتی از کنار مساجد می گذشتیم می دیدیم که آنجا را به سالن رقص و سینما و پادگان نظامی و اداره تبدیل کرده و دست روی دیوار مساجد می گذاشتیم و از ته دل می گریستیم، و هرکس با صدای بلند گریه می کرد خود را در معرض مرگ و نابودی حتمی قرار می داد (همان: ۱۰۲).

چینی‌ها حتی حرمت مسجد را نگه نداشتند و امام مسجد و مجاهدین را جلوی در مسجد به رگبار بستند: در جستجوی منصور برآمدم .. دیدم نعش خون آلودش در صحن مسجد افتاده و تفنگش نیز به طرف راستش قرار گرفته است، برکه‌ای از خون در کنارش بوجود آمده بود، به او نزدیک شدم دیدم کشته شده است و در کنارش تعداد زیادی از افرادی که زخمی شده بودند .. و امام مسجد نیز نفر دوم بود که کشته شده و این در حالی بود که ریش سفیدش با خون رنگین شده بود (همان: ۱۸۶).

با تسلط شهر به دست چینی‌های کمونیست، راوی نظاره‌گر تغییر مبادی و آداب و رسوم و فرهنگ و هویات مردم شد: همه چیز در اطراف ما به سرعت تغییر می کرد و عوض می شد: مردم، چیزها، اسلحه، موضع گیری‌ها و سیاست جهان. بسیاری از فرزندان ما در جریان شکست خرد شدند، شخصیت اسلامی شان را از دست دادند و کلمات جدیدی را بر زبان می راندند، شعارهای گنگ و نامفهومی سر می دادند، خدای من، دخترها بی حجاب به خیابان‌ها می آمدند، عده‌ای که با اشتباه و افتضاح و انحراف همه چیز را به اسم پیشرفت از سر راه بر می داشتند و نابود می کردند، مگر نمی شود مردمانی

که می‌خواهند رشد و ترقی کنند زیر بار ظلم نروند و آزادی شان لگدمال نشود و مانند بردگان به این سو و آن سو کشانده نشوند؟؟ (الکیلانی، ۲۰۰۶: ۱۹۳).

در واکاوی انواع تعارضات داخلی، تعارضات هویتی، جزو فراگیرترین و خشن‌ترین انواع نزاع دانسته و پژوهشگران معتقدند که هر کجا مؤلفه‌ای قومی، مذهبی، عشیره‌ای و یا اختلافات زبانی حاکم باشد، این نوع از تعارضات هویتی سر بر می‌آورند.

۳-۳. اتحاد کشورهای اشغالگر روسیه تزاری و چین کمونیست برای استعمار مسلمانان

کلام خواجه نیاز ۵ از اولین رهبران در مبارزات علیه اشغالگران کمونیست چین و روسیه که هدف استعمار چینی - روسی را نابودی اسلام می‌داند و به مردم می‌گوید: ملت بیچاره ما - ملت ترکستان - در شرایطی است که از یک طرف چین و از طرف دیگر روسیه برای بلعیدنش دهان باز نموده‌اند، و ما اکنون در محاصره نیزه‌های مسموم، و توپها، و آتشبارها قرار گرفته‌ایم و نیرنگ و فریب از دور به سراغ ما می‌آیند. من مبلغان مسیحی (ترفندهای استعمار) را می‌شناسم، آنها در کمین هستند تا ما ضعف و سستی به خود راه دهیم و علیه ما متحد شوند و از اطراف بر ما بتازند و ما را به ذلت و خواری کشانند و برای این اهدافشان، اختلافات ملی و قومی را بر می‌انگیزانند. آنها از هر وسیله‌ای استفاده می‌کنند برای اینکه ما مسلمان نباشیم می‌فهمید؟؟ آنها می‌خواهند از این طریق، ارزشهای و مبنای که سالیان طولانی، استقلال و آزادی ما را حفظ نموده‌اند، نابود کنند (همان: ۲۱).

همین رهبر مردمی، کاملاً از نیت‌های شوم روسیه برای کمک به ترکستانی‌ها در مبارزاتشان پی برده و هدف اصلی این استعمارگران را غارات نعمتهای ترکستان شمرده است: آنها خواهان استقلال ما نیستند و از قدیم هم نبودند آنها می‌خواهند جای پا در سرزمین ما باز کنند و چشم طمع به ذخایر و منابع ما دارند (همان: ۴۷).

خواجه نیاز به مجاهدین در مورد اهداف سوء روسیه هشدار می‌دهد و می‌گوید: دشمن دیگر ما، روسیه است، فکر کردید که کمک‌های آنها بخاطر این است که ما فعلاً پیروز شده‌ایم و می‌خواهند این پیروزی برای ما ادامه پیدا کند؟ روسیه در پی تحقق آرزوهای خودش است آن هم از نزدیکترین و ساده‌ترین راه.. و کافران ملت واحدی هستند... (الکیلانی، ۲۰۰۶: ۴۸).

یکی از روش‌هایی که روس‌ها برای استعمار کشور دیگر بکار می‌برند، بستن قراردادهای طولانی مدت با آنهاست تا از این طریق بتوان آنها را بسادگی غارت کرد و در اینجا نیز از شریک و همکار قدیمی خود یعنی چینی‌ها نیز این ترفند را بکار می‌برند: دژه‌های مستحکم چینی‌ها تحت ضربات

خرد کننده مجاهدین درهم شکسته شده و سلطه حاکم چینی تحمیلی بر ترکستان شرقی روبه ضعف نهاده بود و این حاکم چینی سخت متحیر بود چه کند، وقتی دید که بشدت در تنگنا قرار گرفته است، تصمیم گرفت که از روسها طلب کمک کند، روسها با تقاضای وی موافقت کردند منتهی مشروط بر اینکه قراردادی ببندد و این حق را به آنها بدهد تا در ترکستان نمایندگی های بازرگانی ایجاد کنند و هر کس تابعیت روسی داشته این حق را دارد که در سرتاسر ترکستان به سیاحت بپردازد و نیروهای محلی هم حق بازرسی کالاهای وارداتی روسی را نداشته باشند (همان: ۴۹).

خواجه نیاز در جایی از صحبت هایش سبب عدوات و دشمنی روسها و در راس آن کلیسای روسی را دشمنی با دین اسلام می داند و می گوید: شما ای سلحشوران محزون نباشید.. زیرا در گذشته کلیسا خیلی سعی نمود تا بر ما چیره شود.. همین کلیسا بود که روسیه تزاری را تشویق نمود تا سرزمین های ما را اشغال کند.. چرا که کلیسا فراموش نکرده است که چگونه جنگجویان قدرتمند ما به کمک ترکیه شتافت و جهان اسلام را در برابر جنگهای صلیبی یاری رساندند، و کشور ما ای قهرمانان در گذشته دارای عظمت و تاریخ و تمدنی بزرگ بوده است و ثروت های گرانبهایی در اینجا نهفته است و هزار و یک دلیل وجود دارد که دشمنان، چشم طمع به سرزمین ما داشته باشند و مهمترین آن مسلمان بودن ما است (همان: ۵۱).

همکاری روس های تزاری با چینی های کمونیست در دهه چهل میلادی قرن بیستم برای شکست انقلاب مردم ترکستان برای کسی پوشیده نیست و در اینجا کیلانی به گوشه ای از این همکاری برای سرکوب مسلمانان اشاره کرده که چگونه روسها و چینی ها با سلاحهای سنگین مانند توپ و تانک و هواپیما به جان مجاهدین افتادند که سلاحهای سنگینشان همان اسلحه های قدیمی بود و در مواردی حتی فشنگ نیز نداشتند (نک: ۷۴).

۳-۴. بازداشت دسته جمعی مسلمانان به تهمت های واهی و بی اساس و شکنجه و اعدام آنها

مصطفی مراد حضرت یکی از قهرمانان داستان در مورد اعدام مردم می گوید: افراد ما مخفیانه وارد محله های ماموریتشان شدند و پخش گردیدند، شهر بلا دیده کومل در فقر و ظلمت سیاهی فرورفته بود، بمحض آنکه افراد ما مشکوک به نظر می رسیدند، محکوم به مرگ بودند (همان: ۵۲). یا در مورد بازداشت و شکنجه مسلمانان این دیار و اعدام آنها نجیب کیلانی می گوید: انقلابیون را در استان ایللی سربریدند.. و در استان آقسو و تشوشک و شهر شهباز خبر از زندان و شکنجه و داغ و درفش

می‌رسد و در شهرهای کوشتار و آلتای نیز وضع بدین منوال بود و استبداد مارکسیستی در همه جا بود و دشمنان در حال نقشه کشیدن و طرح ریختن بودند و کارشناسانشان تنها در زمینه نظامی و اقتصادی و تبلیغات نبود، بلکه کارشناسانی در زمینه فن شکنجه و قتل و کشتار و نابودی اسلام و مسلمین نیز داشتند (الکیلانی، ۲۰۰۶: ۵۵).

اگر تهمتی به شخصی وارد می‌شد همین امر برای نابودی تمام خانواده و کسانی که با او ارتباط داشتند کافی بود: و تهمت و افترا به صور ساختگی و دروغین به افراد نسبت می‌دادند، کافی بود یکی از بی‌گناهان را مورد اتهام قرار دهند فوراً تمام نزدیکانش را هم به جرم او دستگیر می‌کردند و روسها کنترل شدیدی بر کشور داشتند تا اخبار ناگوار به بیرون از کشور درز نکند، ترس و وحشت همه جا را فرا گرفته بود کسی جرات نمی‌کرد تا آزادانه با فرزندش صحبت کند (همان: ۸۳).

هنگامی که افسر همسر نجمه اللیل به دست خودش کشته شد رئیس اداره اطلاعات ارومچی اعتقاد داشت باید همه ترکستانی‌ها را از دم تیغ گذراند و اعدام کرد: تنها راه حل خشونت است.. و خشونت بیشتر.. من قبلاً گفتم هر ترکستانی مشکوکی را باید بکشیم... (همان: ۸۳).

با کشتن افسر چینی توسط همسرش نجمه اللیل، بازداشت بی‌گناهان و اعدام و شکنجه آنها به شدت ادامه پیدا می‌کند: روزهای سخت و دشواری را پشت سر گذاشتیم، رئیس سازمان امنیت در ارومچی افراد بی‌گناه را گرفته و به زندان می‌انداخت و هر روز چندتای آنها را به خاطر مشخص شدن عامل قتل افسر چینی اعدام می‌کرد، از سوی دیگر هزار چندگاهی بعضی از انقلابیون یا افراد مشکوک را برای شناسایی قاتل به نزد نجمه می‌آوردند، ولی نجمه آنها را تبرئه می‌کرد. سرکوبی مردم و زندانی کردن آنها افزایش یافت و نه تنها در ارومچی، بلکه در تمام شهرهای بزرگ حالت فوق العاده برقرار شد (همان: ۱۲۴).

در صحنه‌ای از رمان هنگامی که مجاهدین بر زندانی برجای مانده از چینی‌ها دست می‌یابند، توحش و خشونت غیر قابل تحمل را به زیبایی به نمایش می‌گذارد: این دشمن از ما چه می‌خواهد؟ چگونه می‌توان از مردمانی که این جنایت و وحشی‌گری را مرتکب شده‌اند امید به خیر و نیکی داشت .. به این اجساد که همدیگر را در آغوش کشیده اند نگاه کنید .. اینها مقابل چشم یکدیگر مرده‌اند .. بعضی از اجساد در حالت نشسته مرده‌اند .. بدون شک اینها در اثر شدت سرما از بین رفته‌اند.. و اینها همان افرادی هستند که در بدترین شرایط به یاد خدا بوده‌اند و همینها در کوه‌ها و دشتهای سرسبز سرزمین ما با کمال آزادی زندگی کرده‌اند و حالا با این وضع فجیع مرده‌اند (همان: ۱۳۶).

در بخشی دیگر از رمان از زبان منصور درغا اینگونه توحش و تروریسم دولتی چین روایت

می‌شود: همسر م که از عشایر بود .. روسها او را سربریدند همانطور که انسان گوسفند را در جشن فاخری سر می‌برد مانند حیوانات وحشی او را بهم پاس می‌دادند .. ولی او فریاد می‌زد و از خود دفاع می‌کرد .. درنده‌ها عاطفه دارند ولی روسها ندارند (همان: ۱۳۹). یا در جایی دیگر در همین مورد می‌گوید: آخر چرا همسر م را کشتند .. چرا پدر پیرم را کشتند .. چرا خون مادر و خواهر و فامیلم را ریختند؟؟ می‌گویند چون قرآن می‌خواندند .. و پدرم صدایش را به خواندن آیت الکرسی بلنده نموده بود .. جلادهای روسی می‌خندیدند .. آخر چرا باید بخندند؟؟ (همان: ۱۴۲). و هنگامی که مصطفی مراد حضرت او را دلداری می‌دهد از آیه قرآن استفاده می‌کند و این شیوه بیان کیلانی است که در جای جای رمانهایش و این رمان به آیات قرآن پناه می‌برد ﴿الذین إذا أصابتهم مصيبة قالوا إنا لله و إنا إليه راجعون﴾ (البقرة: ۱۵۶).

قتل عام روشنفکران برای زهر چشم گرفتن از عامه مردم در اواخر رمان شدت می‌گیرد و کیلانی از زبان راوی که همان قهرمان اول داستان یعنی مصطفی مراد حضرت روایت می‌کند: فرمانروای جدید آدم تندخو و عصبی بود و برای اینکه ثابت بکند شایستگی این پست و مقام را دارد نقشه سرکوبگرانه خشن و خبیثانه‌ای وضع کرد و بدترین طرحی که در این نقشه بود این بود که حکم بازداشت عمومی طبقه روشنفکران را مخصوصا نویسندگان و شعرا و علما صادر کرد حتی افرادی که در گذشته اسلحه بر نداشته بودند شامل این دستور می‌شدند و کشتار وحشتناکی راه انداخت و اخبار فجیع این کشتار در سراسر کشور پیچید (همان: ۱۵۶)

یا در قسمتی دیگر از رمان، چگونگی کشتن و قتل عام مردم به بهانه‌های واهی و قتل عام علما و روشنفکران را به تصویر می‌کشد، چرا که پیشتازان جامعه همانا همین انسانها هستند و جامعه‌ای که خالی از فکر و اندیشه باشد به راحتی به بند کشیده می‌شود و خود به خود آن اندیشه - که اینجا اسلام است - نابود می‌شود و از بین می‌رود: دشمن از اینکه نیمی از مردم ترکستان را به جاسوسی بگمارد موفق به نظر می‌رسید، همسایه به همسایه اعتماد نداشت. بیش از سه چهارم کارمندان بزرگ دولت به عنوان جاسوس در خدمت او بودند، نیمی از افراد ارتش و دانشجویان و روستائیان و کارگران، حقوق بگیر اداره اطلاعات بودند. برخی با تهدید بخاطر اینکه به زندان نیفتند و یا یکی از فرزندانش ربوده و دستگیر نشود مجبور به جاسوسی بودند، و تهمتهایی که به افراد می‌زدند بسیار عجیب و غریب بود می‌گفتند این دانشجو بخاطر اینکه قصد انقلاب داشته بازداشت شده است و این کارگر به دلیل اینکه دیدگاهش امنیت ملی را برهم می‌زند باید بازجویی و شکنجه شود و این متفکر باید به جرم همکاری با دولت بیگانه بازداشت شود... واقعا چگونه باور کنم که صدها هزار نفر را با وسایل

مختلف کشته باشند و حدود ۲۵۰ هزار نفر دیگر را به زندان فرستاده باشند و علمای دین را قتل عام نمودند و کتب دینی و تاریخی را پاره پاره کردند و مساجد را تبدیل به انبار آذوقه و سینما کردند.. و به سرعت نسل جدید را در اختیار گرفتند تا بدانها چیزی را آموزش دهند که تاریخ و شخصیتش را محو گرداند (همان: ۸۴-۸۳).

برای اعدام یکی از فرماندهان شجاع مجاهدین ترکستانی به اسم عثمان باتور، نود هزار نفر از مردم ترکستان را به زور به صحنه اعدام می‌کشاند تا شاهد مرگ و اعدام قهرمان جنگ‌هایشان باشند، چون دشمن خشونت طلب فکر می‌کند با مرگ قهرمان، مبارزه و جهاد در راه خدا به پایان می‌رسد: ژنرال عثمان باتور را به میدان اعدام آوردند..همچنانکه نود هزار نفر از ترکستانی‌ها و چینی‌ها را به زور اسلحه به میدان اعدام آوردند تا سرانجام قهرمان را مشاهده کنند.. قهرمان عثمان باتور مرد (همان: ۱۹۷). این اقدامات در واقع نوعی ترویج خشونت در جامعه است و جامعه‌ای که این گونه خشونت طلبی در آن رواج داشته باشد، شکافهای اجتماعی در آن زیاد است و به صورت بالقوه آبیستن شورش و خشونت و ناامنی است.

۳-۵. نقش زنان در مبارزه علیه تروریسم دولتی چین و روسیه تزاری

کیلانی در بخشی دیگر از رمان به داستان زنی اشاره می‌کند به اسم خاتون و زمانی را به تصویر می‌کشد که مردم ترکستان، چینی‌ها را از مناطقی بیرون کرده و حالا مردم در صدد انتقام از کسانی بودند که آنها را بازیچه دست خود کرده بودند و از آنها سوء استفاده می‌کردند و در این میان این خانم نیز بازیچه دست چینی‌ها شده و عفت و آبرویش لکه دار شده بود و از خدا درخواست کمک کرد؛ اینجا توکل مردمان این دیار و مخصوصا زنان مسلمان مومن را به خوبی نمایش داده و رو به آن شخص چینی که اسمش « صن لی» است، می‌کند و می‌گوید: من از تو متنفرم.. از تو متنفرم.. تو نمی‌توانی به من آسیب برسانی.. ای ملعون مرا لخت و برهنه رها کردی.. و سربازان مست تحت فرمانت را آوردی که به تماشای زنی بیچاره و برهنه و دست بسته بنشینند و در حالی که باران می‌بارید به آسمان نگاه می‌کردم و گریه می‌کردم.. از ته قلبم خدا را می‌خواندم.. مرا مورد تمسخر قرار دادی و گفتی.. خدا هرگز صدایت را نمی‌شنود.. شخص قوی موجود همانا من هستم.. ای صن لی قدرت تو کجاست؟؟.. تو واقعا مردی؟؟ می‌دانم تو پست فطرت از مرگ می‌ترسی.. اما ای پست فطرت.. قلبم را جریحه دار.. و بدنم را زخمی کردی.. (همان: ۵۶).

نجمه اللیل با فدا کردن خود و ازدواج با افسر چینی، باعث فراری دادن خانواده‌اش از دست آنها

می‌شود و با افسر چینی به شیوه و طریق اسلامی ازدواج می‌کند یعنی افسر چینی را مجبور می‌کند هرچند ظاهری مسلمان شود: قبل از آنکه در دست چینی‌ها اسیر شوید، وقت آن رسیده که اینجا را ترک کنید و این امر باعث غمگینی او می‌شود. شما از در پستی به طرف کوه فرار کنید و من افسر چینی را فریب می‌دهم. گاری که برای شما آماده کرده‌ایم منتظرتان است. برحذر باشید که جنگی رخ دهد نگهبانان چینی راه‌ها را زیر نظر گرفته‌اند، هر نوع درگیری اتفاق بیفتد دشمنان شما را محاصره می‌کنند و عزت و شرف شما در معرض تهدید قرار می‌گیرد. من حاضر در راه شما جانفشانی کنم، بیهوده وقت را از دست ندهید افسر چینی داخل اتاق است.. (همان: ۸۷) و در ادامه نجمه اللیل که یکی از قهرمانان داستان و دختر امیر کومل است شرط ازدواج با فرمانده چینی را مسلمان شدن او می‌داند و می‌گوید: بسیار خوب.. اگر می‌خواهی با من ازدواج کنی...ف..نجمه ساکت شد.. در حالی که افسر چینی با تعجب به او نگاه می‌کرد و گفت: چگونه؟؟ نجمه گفت: بر دین من باشی.. - دین تو چیست؟ - مسلمانم.. نمی‌توانم با تو ازدواج کنم مگر اینکه شهادتین را بر زبان جاری کنی. - از آنجایی که دوست دارم آنچه می‌خواهی انجام می‌دهم (همان: ۹۱-۹۵) و به خوبی نشان داده است چگونه یک زن مسلمان مومن می‌تواند یک افسر چینی کمونیست را ولو به شکل ظاهری به اسلام جذب نماید.

درماندگی و عجز فرمانده چینی در مقابل نجمه اللیل و اعتراف به جنایتهایی که انجام داده: تو زن عجیبی هستی.. من در یک لحظه حکم اعدام صدها نفر را در این شهر صادر کرده و اجرا شده است.. و زنان و مردان زیادی را کشتم.. و چیزی که باعث تعجبم شده این است که در قبال تو نمی‌توانم کاری بکنم(همان: ۹۳).

راوی در صحنه‌ای از رمان، زن را تشبیه به وطن می‌کند و از زبان نجمه اللیل در جواب مصطفی مراد حضرت نامزد قبلی‌اش هنگامی که از او سوال می‌کند چگونه با اسلام ظاهری یک شخص چینی کنار می‌آیی، نجمه اللیل جواب می‌دهد: چگونه در زیر سایه مردی زندگی می‌کنی که او را دوست نداری..؟ نجمه شانه‌هایش را بالا انداخت و با تمسخر گفت: مثل کشورم ترکستان که تحت اشغال زندگی می‌کند(همان: ۱۰۷). یا در صحنه‌ای دیگر نیز از زبان قهرمان داستان این تشبیه را بکار می‌برد: من در مورد نجمه فکر می‌کنم.. احساس نسبت به او مانند احساس مردی است که به همسرش تجاوز شده.. نجمه مانند شهری است که دشمن آنرا اشغال نموده و معنی واقعی عشق و دوست داشتن به یک چیز بی ارزش ملی تبدیل شده بود(همان: ۱۰۹).

۳-۶. تفرقه و دو دستگی و سوء استفاده از مردمان ترکستان علیه همدیگر و ایجاد شایعه و تبلیغات مسموم علیه مجاهدین

تفرقه افکنی و اختلاف بین مردم از سیاست قدیم روس‌ها بوده و در اینجا نیز از این سیاست استفاده کرده‌اند: مصیبت بارتر آنکه روس‌ها شروع به تحریک بعضی از طبقات جامعه علیه بعضی طبقات دیگر کردند و در بین مردم با فتنه‌گری ایجاد درگیری می‌کردند و سلاح روسی در خدمت تقویت قدرت چینی قرار می‌گیرد، همانطور که تخریب فکری (شایعه سازی)، قدرت مردم را سست و یکپارچگی بزرگ ملی را از هم می‌پاشید... (همان: ۵۰).

مصطفی مراد حضرت از قهرمانان اصلی رمان از زبان یکی از خطبای مساجد قبل از اشغال ترکستان به دست چینی‌ها و روس‌ها، بدبختی‌یشان را در دودستگی و تفرقه مسلمان و اتحاد کفار می‌داند و روایت می‌کند: شرق و غرب با ما دشمن اند، آنها بر قدرت نظامی و زیادی جمعیتشان تکیه دارند و ما به گذشته‌یمان متکی هستیم و شکوه و عظمت گذشته تنها کافی نیست، و به من گفت: ای پسر، مسلمانان متحد نیستند و ترکیه با جنگ و استبداد دست و پنجه نرم می‌کند و عرب‌های زیر سم اسب دشمن قرار گرفته و صدایشان در نمی‌آید، و کافران یک ملت واحدند، ولی مسلمانان ملت‌های مختلف شده‌اند و تو می‌توانی دلیل پیروزی دشمنان و شکست مسلمانان را تفسیر کنی (همان: ۱۱۹).

استفاده از جدایی طلبان ترکستانی برای دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی و همچنین بکارگیری این افراد در امر بازجویی و شکنجه مجاهدین از سوی روس‌ها؛ این جدایی طلبان که از صفوف مجاهدین جدا شده و به دشمنان پیوسته بودند و با انتشار اخبار کذب و وارونه کردن واقعیتها سعی در جلوه دادن انقلابیون به عنوان خائن و اختلاسگر داشتند و وطن پرستان را خائن می‌شمردند. در اینجا از زبان مصطفی مراد حضرت، تعامل خائنان وطن فروش را با وطن دوستان و تمسخر و استهزای آن را به تصویر کشیده است: آنچه برایم دردآور بود یکی از فرزندان ترکستان شرقی که از مجاهدین جدا شده بود خیلی با خشونت و با حالت بردگی و تمسخر با انقلابیون رفتار می‌کرد و دردآورتر آنکه که یکی از هموطنان را بینی که با بدنی چاق و چله و چشمان براق و صدای بلند یکی از برادرانش را روی زمین می‌کشد انگار گوسفندی را به پیش می‌راند و با آنها مانند حیوانات رفتار می‌کرد (همان: ۷۹).

خواجه نیاز با یکی از خائنان که او را بازداشت و شکنجه کرده، در مورد امر معکوس وطن دوستی و خیانت صحبت کرده که خائنان او را خیانتکار می‌دانند، سخن می‌گوید: حقیقت واضح است.. کسانی که می‌خواستند از آزادی و شرفشان دفاع کنند در زندانند و خائنان و پست فطرت‌های سرنوشت کشور

و شلاق و کلیدزندان بزرگ را در اختیار دارند (همان ۷۹).

فرمانده چینی هنگامی که با نجمه اللیل به روش اسلامی ازدواج می‌کند در مورد خیانت خیانتکاران ترکستانی و جنایتهایی که در حق هم نوعان و هم زبانان خود انجام می‌دهند می‌گوید: بسیاری از ترکستانی‌ها خودشان را به چینی‌ها فروخته‌اند و قتل می‌کند و بدترین جنایتها را در حق هموطنان خود مرتکب می‌شوند (همان: ۱۰۱).

از زبان قهرمان اول داستان روایت می‌شود که چگونه بعضی ترکستانی‌های خائن رنگ عوض کرده بودند و خیلی ساده کشورشان را به چینی‌های اشغالگر فروخته بودند: اشغالگران برای خود مراکز تفریحی ایجاد کرده بودند و آنجا می‌رقصیدند و می‌نوشیدند و شب نشینی می‌کردند و می‌نواختند و من شاهد چیزهای عجیب و غریب بودم برآستی چقدر خیانتکاران زیادند، آنهایی که وجدان و دینشان را به اشغالگران فروخته‌اند و از این طریق می‌خواهند به پست و مقامی برسند و یکدفعه به انسانی دیگر تبدیل شوند.. هرچه بدانها نگاه می‌کردم تصور می‌کردم اصلا ترکستانی نیستند و خوردن و نوشیدن و قیافه و حتی سبک و رفتارشان را مانند اشغالگران کرده بودند. همه چیز نزد آنها عوض شده بود و از سران اشغالگر خود تقلید می‌کردند و با زبان اشغالگران سخن می‌راندند (همان: ۱۰۳).

در مورد نفاق و قتل عام مسلمین و ایجاد نسلی خائن در کشور از زبان یکی از فرماندهان ترکستانی مجاهد به اسم عثمان باتور روایت می‌شود: تنها می‌خواهم بگویم که هیچ کسی برای ما آزادی به ارمغان نمی‌آورد و سنگ بنای آزادی بر دوش ما حمل می‌گردد.. روس‌ها هنگامی که به ما پیشنهاد کمک دادند دروغ گفتند و چینی‌ها آن هنگام که آرزوهای شیرین آزادی و استقلال را بما قول دادند دروغ گفتند.. و امروز شما می‌بینید که با زور آهن و آتش بر شما حکومت می‌کنند هزارن تن را به میدان‌های اعدام و صدها هزار نفر را به بازداشتگاه روانه می‌کنند و بسیار از خانواده‌های ترکستانی از بین رفته‌اند و رهبران بزرگ و آزادی خواه ما هنگامی که در دست اینها اسیر گردیدند با آنها مانند اسرای جنگ برخورد نکردند بلکه آنها را باشنیع‌ترین وضع کشته و شهرت و شرفشان را لکه دار کردند (همان: ۱۳۴).

یکی از مجاهدین به اسم منصور درغا دو بهم زنی و شایعات چینی‌ها برای تفرقه مردم ترکستان، بدان اینگونه اشاره می‌کند: برای نگفتم؟؟ روس‌ها همسرم و هم ایالت‌های سه گانه را گرفتند و از هم جدا کردند و حالا مشغول فساد در سایر ایالتها هستند.. نفوذشان را در کاشغر و ارومچی توسعه داده و کنسولگری‌هایشان افراد را با پول می‌خرند و افرادی را می‌ربایند همه چیز را می‌خرند حتی

طلا و نقره را و برای همین است که قیمت‌ها بالا رفته و تورم ایجاد شده.. می‌دانی چرا؟ تصمیم دارند اقتصاد و سیاست و تفکر و دین ما را فاسد گردانند.. و جان و مال هموطنانمان را نیز.. (همان: ۱۶۷). این امر باعث پدیده‌ای خطرناک به نام «گسیختگی ملی» می‌شود یعنی حکومت اشغالگر نمی‌تواند وفاداری‌های قومی و نژادی را به سطح وفاداری‌های ملی ارتقا دهد و فقدان انسجام ملی یکی از پیش شرط‌های وقوع رفتارهای خشونت آمیز است (محمود اوغلی و اصغری نیاری، ۱۳۹۶: ۸۴).

۳-۷. ضبط و مصادره اموال و دارایی مردم از سوی اشغالگران

روس‌ها و چینی‌ها مال و اموال مردم و خانه‌هایشان را مصادره و خود و یا دیگر چینی‌ها در آن جا اسکان یافته و امر عجیب اینکه این اشغالگران چینی حتی به حیوانات ترکستانی‌ها نیز رحم نکرده و ماده این حیوانات را از ترکستان خارج نموده تا زاد و ولد نکند و مردم نتوانند از تولیدات این حیوانات استفاده کنند: در این روزهای سخت، دشمن، انسانیت، امنیت و منابع و ذخایر کشور را به بازیچه گرفته و مقدسات مذهبی مردم از طرف آنها مورد اهانت قرار می‌گیرد، منصور درغا گفت: ببین.. حیوانات ماده ترکستانی در اختیار آنها است و این حیوانات را به کشورشان می‌فرستند تا نسل این حیوانات در ترکستان از بین ببرند (همان: ۸۳).

از زبان قهرمان اول داستان روایت می‌شود که چگونه ثروتهای کشورشان کامیون کامیون به یغما می‌رود و کاری از دست مردم بر نمی‌آید: بر پشتم محصولات پر برکت کشورم را از هر نوعی حمل می‌کردم و داخل ماشین‌های بزرگ و قطارها می‌گذاشتم تا به مقصد سرزمین اشغالگران حمل شود و هر چیزی غارت می‌شد از معادن و محصولات کشاورزی و حیوانات گرفته تا خشکبار (همان: ۱۰۳). ایجاد فقر و گرسنگی مصنوعی بین مردم و این در حالی بود که انواع خوراکی‌ها و غذاهای فاخر سر میز چینی‌ها سرو می‌شد و حالا از زبان قهرمان اول داستان که به قصر چینی‌ها راه پیدا کرده و اسم خود را از مصطفی به تورسون تغییر داد این رفاه چینی‌ها و بدبختی مردم روایت می‌شود: سفره با غذاهای رنگین آراسته شده و ملت بیچاره در خارج قصر از فرط گرسنگی از برگ درختان و سطل‌های آشغال شکمشان را سیر می‌کنند و بچه‌های مسکین با چشم به کمک دیگران و نعمتهایی دارند که کامیون کامیون بارگیری و به کشور اشغالگران فرستاده می‌شود (کیلانی، ۲۰۰۶: ۱۱۵). عثمان باتور یکی از فرماندهان مجاهدین ترکستانی در بخشی از رمان نسبت به مصادره اموال ترکستانی‌های مجاهد می‌گوید: بی همه چیزها از اموال ما بر پست فطرت‌های خود حاتم بخشی می‌کنند.. گویی اموال کشورم مزرعه شخصی آنهاست (همان: ۱۵۵).

تغییر توپولوژی ۱ یا جغرافیایی شهر و تغییر نژادی یا اتنوگرافی ۲ مردمان شهر، که از ترفندهای اشغالگران برای از بین رفتن یکپارچگی ملتها و تنوع نژادی است؛ چرا که با این امر از اتحاد و یکدستی مردم جلوگیری کرده و با انتقال هم کیشان و طرفداران خود در واقع به نوعی کنترل آن قسمت را در دست می‌گیرند و خانه‌ها و اموال مردم را به اسم این طرفداران خود ثبت و مصادره کرده: شهر پر شده بود از چهره‌های ناشناخته که قبلاً نبودند از قبیل مردان و زنان و بچه‌ها. تصدیق بفرمایید خودم شنیدم که دشمنان به صورت دسته جمعی به ترکستان مهاجرت کرده و در همان وقت صدها هزار نفر از فرزندان ترکستان را به مناطق دور دستی برده بودند (تبعید کرده بودند) و این مهاجرین تاسیسات زیربنایی شهر و مغازه‌ها و مزارع را به دست گرفته بودند و برای مهاجرین تازه وارد، خانه و مؤسسه و مراکز عیاشی می‌ساختند و دسته دسته دختران چینی با وضع زننده به نام آزادی کشور را پر کرده بودند. کتابهای کوچک با زبانهای مختلف، مدارس و مغازه‌ها و خیابان‌ها را پر کرده بود. این کتابهایی بودند که برای ما نوشته شده و از حق ملتها برای به دست گرفتن سرنوشتشان صحبت می‌کردند، و قهرمان‌هایی را نام می‌بردند که ما نشنیده بودیم و در عوض عثمان باتور و خواجه نیاز و رئیس علی خان را به صورت دزد و راهزن معرفی می‌نمودند و از حاکم جدید تارتار مهاجری که بجای رئیس علی خان نشسته بود و خواهان مجد و عظمت اشغالگران بود از او یک قهرمان ملی و آزادی خواه و رفیق پیشرفت و پدر آزادگان ساخته بودند. این شهر دیگر آن شهری که من می‌شناختم نبود، نه مردانش آن مردانی بودند که من می‌شناختم و نه بچه‌هایشان آن بچه‌ها و این زنان لخت و برهنه زنان مردم ترکستان نبودند (همان: ۱۷۵).

در بخش آخر رمان هنگامی که مصطفی مراد حضرت برای پیدا کردن همسرش نجمه اللیل به خانه‌یشان می‌رود و مردی هیکلی که خانه‌یشان را غصب کرده می‌بیند و از زن و بچه‌اش خبری نیست: هنگامی که در را باز کرد نزدیک بود غش کنم... تو کی هستی؟ او با چشمانی درشت و چهره‌ای گوشت آلود و صورتی قرمز و موهای سری که تا حدی سفید شده بود و قطرات سوپی که به سبیل‌های پریشانش چسبیده بود نگاهی به من کرد و گفت: مرا نمی‌شناسی؟! همه مرا می‌شناسند... من رهبر کارگرانی هستم که انقلابی‌های بزرگ را دستگیر کردند. بخوبی پیدا بود که شخص نادان و درس ناخوانده‌ای است و با وجود آنکه با زبان ترکستانی حرف می‌زد، اما چهره‌اش نشان می‌داد که ترکستانی نیست و خشونت و نگاه اکراه آمیزی که به من داشت.. نشان از نوعی اشغالگری کوچک داشت (همان: ۱۷۶).

۱. Topology

۲. Ethnography

اولین کارکرد هر نظام سیاسی، کاهش یا حذف ارتکاب خشونت در زندگی روزمره مردمان است، ولی چینی‌ها در این رمان عامدانه خواستار ستیزه و کشمکش و ارتکاب خشونت سیاسی به صورت سیستماتیک و خارج از کنترل بودند و چون ابزار لازم برای رسیدن به اهدافشان نداشتند با تروج خشونت یکبار با شکنجه و اعدام و دفعه دیگر با مصادره اموال به این کار اقدام می‌کردند.

۴. نتیجه گیری

با وجود درهم تنیدگی مفاهیمی چون خشونت سیاسی و ترور در اینجا ترور یکی از مظاهر و جلوه‌های خشونت محسوب شده و رمان لیالی ترکستان موضوع خشونت و ترور سیاسی را در سربلوه کار خود قرار داده و واقعیت دردناک مردم ترکستان را که با پدیده ترور حکومتی و مفهوم خشونت سیاسی دست و پنجه نرم کرده به تصویر کشیده است.

مفهوم خشونت سیاسی به اشکال و جلوه‌های مختلف از جمله، اشغال یک سرزمین و پایمال کردن احساسات و عواطف مذهبی، ایجاد فساد و فحشا و تبدیل مساجد به مجالس لهو و لعب و مراکز عیاشی، اتحاد کشورهای اشغالگر روسیه تزاری و چین کمونیست برای استعمار مسلمانان، بازداشت دسته جمعی مسلمانان به تهمتهای واهی و بی‌اساس و شکنجه و اعدام آنها، نقش زنان در مبارزه علیه تروریسم دولتی چین و روسیه تزاری، تفرقه و دو دستگی و سوء استفاده از عده‌ای از مردمان ترکستان علیه عده‌ای دیگر و ایجاد شایعه و تبلیغات مسموم علیه مجاهدین، ضبط و مصادره اموال و دارایی مردم از سوی اشغالگران، تغییر توپولوژی یا جغرافیایی شهر و تغییر نژادی یا اتنوگرافی مردمان شهر در رمان لیالی ترکستان بدین گونه به تصویر کشیده شده است.

- روایت‌های رمان همراه با یک پدیده واقعی تاریخی و براساس تاریخ دقیق آن حوادث، وهم چنین گنجاندن جزء به جزء واقعیت‌های تاریخی در میان گفتگوی شخصیت‌های داستان، بیانگر دقت و توجه لازم کیلانی نسبت به متن گفتگوی شخصیت‌ها است، تا جزئیات دقیق آن حوادث را تشریح کند، نجیب کیلانی در این رمان بیش‌تر از آن‌که قصد هنرنمایی ادبی داشته باشد، هدفش بیان دردها ورنج‌های مسلمانان بوده است.

- کیلانی از تعبیری چون «ارهابیین»-به معنای تروریست‌ها و «اغتیال»-به معنای ترور - استفاده نکرده، ولی استفاده از واژگانی همچون استخبارات، الدعایه، معتقلون، و... که دارای بار منفی هستند، وهم‌چنین، به کار بردن عناصر و ویژگی‌های خشونت سیاسی هم‌چون تخریب اموال، جریحه دار کردن احساسات عمومی، ایجاد ترس و هراس در دل مردم برای درهم شکستن مقاومت، سربه

نیست کردن بزرگان و سرانی که به نحوی مانع تحقق اهداف تروریست‌ها می‌شوند، و اعدام و شکنجه آنها همگی مفاهیم خشونت سیاسی را در ذهن تداعی می‌کنند.

- زبان رمان با حوادث، ماجراهای و موضوع رمان هماهنگی و انسجام کامل داشت، چه اینکه شخصیت‌های بکار رفته در رمان، مسلمان بوده و ایمان به مبارزه خود با دشمنان اشغالگر داشتند، بنابراین کیلانی زبان اسلامی را که مزین به آیات قرآن و احادیث نبوی(ص) بود با سخنان شخصیت‌های رمان هماهنگ و منسجم کرده است.

- با وجود خشونت سیاسی و واژه‌های منفی دال بر خشونت و ترور و اعدام و مصادره اموال و تغییر نژادی و غیره شاهد نوعی عشق در رمان بین شخصیت‌های اصلی رمان یعنی مصطفی مراد حضرت و نجمه اللیل هستیم و این شگرد رمان نویسی کیلانی را نشان می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها

۱- نجیب کیلانی، شاعر وادیب مصری، در سال ۱۹۳۱م. دروستای «شرشابه» از استان غربی به دنیا آمد، (عبدی، ۱۳۹۵: ۱۵۲) وی در سال ۱۹۵۱ به دانشگاه پزشکی قاهره راه پیدا کرد. (الکیلانی، ۱۹۸۳: ۱۱) او در سال ۱۹۵۵ برای اولین مرتبه توسط جمال عبدالناصر به دلیل فعالیت در حزب اخوان المسلمین به زندان افتاد. (الکیلانی، ۱۹۸۴: ۱۸۹) و برای بار دوم در سال ۱۹۶۸ راهی زندان شد تا این که پس از یک سال ونیم آزادگشت. (الکیلانی، ۱۹۸۵: ۲۳۱) او در زندان به دیوان ضرب الکلیم محمد اقبال لاهوری - شاعر پاکستانی - دست می‌یابد، به گفته خود او، این شاعر در وجدان و عقل او تاثیر بسیار گذاشت، چرا که او برای اسلام و با اسلام زیست. (الکیلانی، ۱۹۸۵: ۳۵) و همین آشنایی با دیدگاه اقبال باعث شد، او از سال ۱۹۵۹م. به سوی ادبیات اسلامی گرایش یابد. (دفعه، ۲۰۰۳) وی مدتی پس از آزادی در سال ۱۹۶۸م. ، مصر را به مقصد کشورهای خلیج فارس ترک گفت. (همان: ۲۳۱) در ابتدای امر به عنوان پزشک در کویت مشغول به کار شد، سپس امارات متحده عربی را جهت اقامت برگزید، و در طول مدت بیست و سه سال دوری از وطن، در پست‌های مختلفی که مربوط به رشته پزشکی بود، مشغول به کار شد، پس از بازنشستگی - در سال ۱۹۹۲م - و ۲۳ سال دوری از وطن - به مصر بازگشت. و سرانجام در مارس ۱۹۹۵م. در قاهره، دار فانی را وداع گفت. (مقری ادریسی، ۲۰۰۲).

۲- شایان ذکر است که رمان لیالی ترکستان توسط آقای حسین علی انصاری در سال ۱۳۶۴ به فارسی ترجمه شد و انتشارات هجرت مشهد مقدس آنرا به زیور طبع آراسته بود.

۳- ادب اسلامی عبارت است از، ادبی که نشأت گرفته از مبادی، اصول و فرهنگ اصیل اسلامی که در نتیجه مولفش زندگی را از خلال تصورات اسلامی می‌نگرد و در چارچوب ارزش‌های اسلامی واکنش نشان می‌دهد و نویسنده‌ی مسلمان به صورت هنری الهام‌گر این ادب را بیان می‌نماید. (سرباز، ۱۳۸۵: ۵۷).

۴- Mao Tse-Tung

۵- فرمانده مسلمانان در ابتدای مبارزه «خواجه نیاز» است و بعد از به شهادت رسیدن وی «عثمان باتور» و «شیخ علی خان» فرماندهی را به عهده می‌گیرند، و در نهایت، نیروهای «عثمان باتور» در طی جنگ و گریز با نیروهای دشمن به شهر ماخای - یکی از ایالت‌های «شانگهای» - می‌رسند، در آنجا دشمن از دوطرف شهر «دو خان» و شهر «شر خلق» به آن‌ها حمله می‌کنند، «عثمان» که نیروهای خود را در آستانه شکست می‌بیند، از افرادی که می‌خواهد کسانی که زنده می‌مانند، صدای آن‌ها را به گوش تمام ملت مسلمان در سرتاسر دنیا برساند، «ومن یبقی منکم حیاً فلیحمل قصه جهادنا و عذابنا الطویل للامم المسلمه النائمه فی الجنوب و المشرق و المغرب العربی» (الکیلانی، ۲۰۰۶: ۱۶۹). در آخر رمان، نجمه - همسر مصطفی - پیشنهاد می‌کند، برای انجام خواسته عثمان باتور به مکه بروند.

منابع و مصادر

کتابها:

- ابن منظور (بی تا). لسان العرب، دار صادر، لبنان.
- توفیق ابراهیم، حسنین (۱۹۹۲). ظاهرة العنف السياسی فی النظم العربیة، سلسلة اطروحات الدكتوراه، مركز الدراسات الوحدة العربیة، ط ۱
- ساندرز، دیوید (۱۳۸۰). الگوهای بی ثباتی سیاسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سلیمانی، محسن (۱۳۷۴). رمان چیست، تهران، نشر نی، چ ۳.
- شهاب، محمداسد (۱۳۵۸). مبارزات خلق مسلمان ترکستان بر ضد استعمار سرخ شوروی و چین، پیشوائی، محمد. (مترجم)، بی تا، بی نا، چ اول.
- عبدی، صلاح الدین (۱۳۹۵). فنون النثر العربی الحدیث؛ أعلامها ونشأتها، همدان: نشر چنار، چاپ اول.
- عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید، تهران: راه رشد، چاپ اول.
- فایراند، ایو و روز الیند فایراند (۱۳۷۹). خشونت سیاسی و ثبات سیاسی در خشونت و جامعه، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: نشر سفیر.
- الکیلانی، نجیب؛ (۱۹۸۳). لمحات من حیاتی، القسم الاول، بیروت: موسسه الرسالة.
- (۱۹۸۴). لمحات من حیاتی، القسم الثاني، بیروت: موسسه الرسالة.
- (۱۹۸۵). رحلتی مع الأدب الإسلامی، الطبعة الأولى بیروت: موسسه الرسالة.
- (۲۰۰۶). لیالی ترکستان، طنطا: دار المؤید و دار البشیر للثقافة والعلوم، ط ۱.
- (۱۳۶۴). سرگذشت ترکستان یا کارنامه سیاه استعمار روس و چین، انصاری، حسین علی. (مترجم)، چاپخانه سعید، مشهد: انتشارات هجرت.
- گلی زواره، غلامرضا (۱۳۸۷). سرزمین اسلامی، سرزمین اسلام [منبع الکترونیکی]، شناخت کشورهای اسلامی و نواحی مسلمان نشین جهان، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، جلد اول.
- معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ معین، تهران: کتاب راه نور، چ ۴.
- معجم الوسیط (۱۹۸۵). دار عمران، مجمع اللغة العربیة، الجزء الثاني، ط ۳.

مقالات:

- برکه، سیدمحمد (۲۰۰۷). الادب فی خدمه الدعوة...نجیب کیلانی وقضیه ترکستان، رابطه ادباء الشام، عرض کتاب.

<http://www.odabasham.net/show.php?sid=11826>

-جیان پینگ، وانگ (۱۳۸۲). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، درخشش دوباره مسلمانان در شهر پکن، رایزنی فرهنگی ایران -پکن(مترجم)، مجله مشکوه، شماره ۸۱، صص ۴۲-۶۲.

<http://www.noormags.com/view/Magazine/ViewPages.aspx?ArticleId=53154>

-دفة، بلقاسم (۲۰۰۳). التحليل السيميائي للبنی السردية فی رواية ((حمامة سلام)) للدكتور نجیب کیلانی، مجله الموقف الأدبی، شماره ۳۸۵، دمشق: اتحاد کتاب العرب.

<http://www.awu-dam.org/mokifadaby/385/mokf385-007.htm>

-السیدالدغیم، محمود (۱۹۹۶). تکریم ذکری کاتب متنوع الانجازات)نجیب کیلانی. روزنامه الحیاة، شماره ۱۲۲۳۹.

<http://www.dr-mahmoud.com/content/view/677/40>

- عبدی، صلاح الدین (۱۳۹۰). استعمار ستیزی در رمانهای اسلامی نجیب کیلانی(بررسی موردی رمان عمالقه الشمال)، مجله ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۲۰، صص ۱۶۳-۱۹۵.

-فدایی، احمد (۱۳۶۹). وضعیت مسلمانان چین در دوره های مختلف، مجله مشکوه، شماره ۲۶، صص ۱۶۷-۱۹۳.

<http://www.noormags.com/view/Magazine/ViewPages.aspx?ArticleId=58736>

-کوشا، جعفر، ونامیان، پیمان (۱۳۸۷). جایگاه اعمال تروریستی در پرتو حقوق بین المللی کیفری، فصلنامه حقوق، مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۳، صص ۲۳۳-۲۵۶.

محمود اوغلی، رضا و یعسوب اصغری نیاری (۱۳۹۶) بررسی عوامل مؤثر بر خشونت سیاسی مطالعه موردی؛ جمعیت بلوچ شعر زاهدان، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۷۳-۹۶.

- مقری ادیسی، ابوزید، (۱۹۹۶)، نجیب کیلانی، سیرته بقلمه، مجله المشکاة شماره ۲۳.

پایان نامه‌ها:

- سرباز: حسن؛ (۱۳۸۵) در اسه القصة الاسلامیه فی الادب العربی المعاصر علی احمد باکثیر نمودجا، پایان نامه، تهران.